روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسوول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه • ۲۳مهر ۱۳۹۳ • ۲۰ ذی‌الحجه ۱۴۳۵ • ۱۵اکتبر ۲۰۱۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۳۸ • ۱۶صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۸ • اذان صبح‌فردا ۴:۴۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۱

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آمبولانس

یک مطلب کاملا علمی

پوریا عالمی

● ما امروز یک مطلب علمی برای شما تهیه کردیم که وزن و بار علمی ستون را بکشیم بالا.

خبرگزاری مهر گزارش داده تهران ۱۳۵هزار قاچاقچی و موادفروش دوره‌گرد دارد. ۱۳۵هزارتا کم نیست‌ها. الان به‌ازای هر ۳۰۳هزارنفر یک سالن سینما در کشور وجود دارد، که جای نگرانی ندارد، چون در همین تهران هشت‌میلیون‌نفری به‌ازای هر ۵۹نفر یک ساقی مواد وجود دارد، که انصافا با تلاش شبانه‌روزی توانسته‌اند در رگ‌های شهروندان جا باز کنند. حالا رسما اعلام شده فقط تهران ۱۳۵هزار ساقی دارد، اگر ما بگوییم جز تهران هیچ‌کجای ایران دیگر مواد خریدوفروش نمی‌شود، که حتما هم همین‌طور است، اگر مثلا ۸۰میلیون‌نفر جمعیت را در نظر بگیریم و این ۱۳۵هزار ساقی تهران به کل کشور سرویس بدهند، باز هم به‌ازای هر ۵۹۲نفر یک ساقی وجود خواهد داشت. پس هر ۳۰۳هزارنفر یک سینما، هر ۵۹۲نفر یک ساقی. خب شما باشید چی‌کار می‌کنید؟

بعد ۱۳۵هزارنفر هم کم نیست‌ها. یعنی وقتی توی پایتخت از هر ۵۹نفر یک‌نفر فروشنده باشد، آدم فکری می‌شود چندنفر خریدار وجود دارد؟ من حتی به خودم هم شکم رفت، شما که جای خود دارید. یعنی آدم شک برش می‌دارد که یا تهیه‌کننده است یا مصرف‌کننده. به نظرم باید گاز آمبولانس را بگیرم و بروم از خبرگزاری مهر خواهش کنم یک‌بار دیگر بزند توی ماشین‌حساب و ببیند واقعا این عددها درست است یا نه. یعنی یک آماری ندهند که آدم به خودش و شما شک کند.

بعد هم گویا یکسری چیزها ارزان شده، منتها نه همه چیزها. مثلا ممکن است گوشت و مرغ و نان و برنج ارزان نشده باشد، اما موادمخدر ارزان شده است. مثلا طبق گزارش خبرگزاری مهر، تریاک که در سال۹۱ کیلویی سه‌میلیون‌و۶۰۰هزارتومان بوده الان شده کیلویی یک‌میلیون‌و۷۰۰. یا هرویین از کیلویی ۱۴میلیون‌تومان کشیده پایین، شده کیلویی دومیلیون‌و۵۰۰. حتی شیشه که همه را می‌کشد بالا هم کشیده پایین و از کیلویی ۱۷میلیون‌تومان رسیده به کیلویی ۱۲میلیون‌تومان. گرچه برخی فکر کردند هرچی گران شد هیچ‌وقت ارزان نمی‌شود؛ اما می‌بینیم که شده.

کارتون خواب

علی جهانشاهی

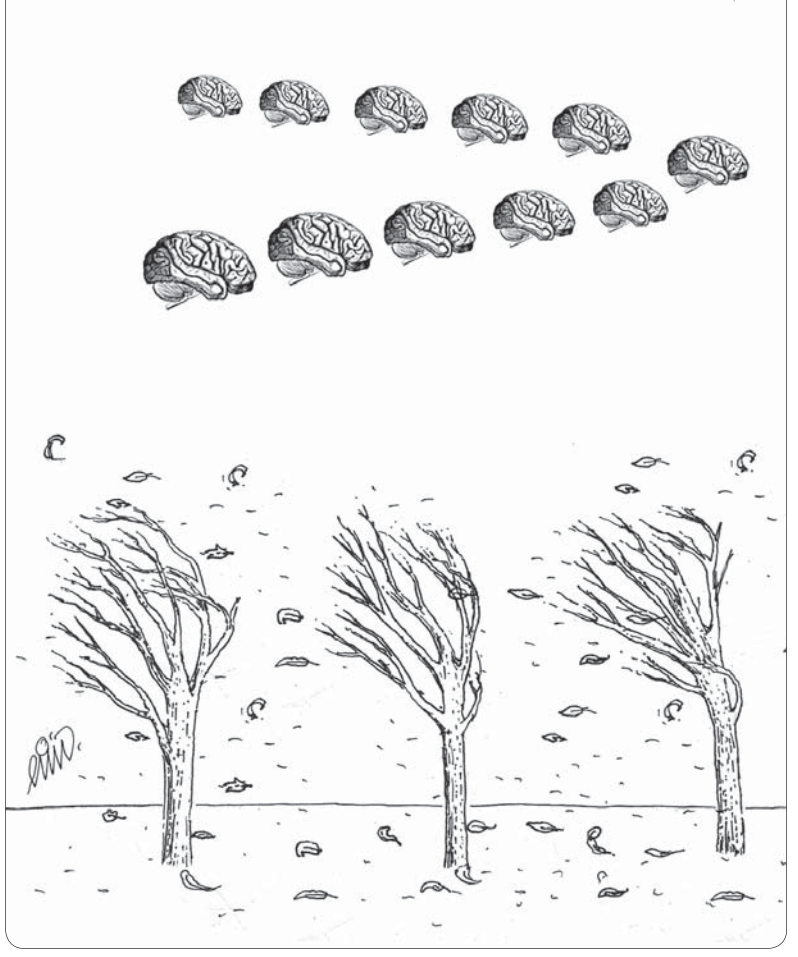

گزارش فردا

زخم «خودپرداز»ها بر پیشانی آثار فرهنگی

سعید برآبادی: دستگاه‌های خودپرداز بانک‌ها مدت‌هاست که به آثار تاریخی پا گذاشته‌اند. یکی از همین دستگاه‌ها چهار، پنج‌سال پیش رفته و در دیوار تئاتر شهر خانه کرده، دیگری در ساختمان موزه پول. تئاتر شهر اما مظلوم‌تر از این حرف‌هاست که بخواهد جفای دستگاه خودپرداز را که نهایتا دومتر قد دارد و ۷۰سانت طول، به کسی فاش کند. ساختمان یکی از مدرن‌ترین آثار ثبت‌شده تهران، این‌روزها با انواع و اقسام آلودگی‌های بصری مواجه است که دیگر جانی برای شکایت باقی نگذاشته‌اند. از یک طرف هواکش‌های مترو، از طرف دیگر ورودی جدید زیرگذر و از آن طرف چند پایه بتنی بی‌کار که انگار فقط برای این سر از خاک درآورده‌اند که نشان دهند شهرداری برای تئاتر شهر و حرمت شاهکار معماری امیرعلی سردارافخمی ارزش چندانی قائل نیست.

مکتب معماری «رایت» را در ایران به دو اثر گرانبها می‌شناسند که یکی را رایت خودش طراحی کرده و دیگری را شاگردانش. از کاخ شمس در کرج جز لاشه‌ای چیزی باقی نمانده تا تنها اثر «فرانک لویدرایت» در ایران

از میان برود. شاگردان مشهورترین معمار آمریکایی اما درست در اول انقلاب بنایی در میرداماد طراحی کردند که بعدها عنوان موزه دفینه به خود گرفت تا به‌عنوان جایی برای گردهمایی مهم‌ترین اشیای تاریخی حوزه پول و سکه مورد استفاده قرار گیرد اما حالا بر سردرش، تابلو بزرگ یک بانک خودنمایی می‌کند. کمال کمونه، یکی از معماران این موزه به «شرق» می‌گوید: «در هیچ‌جای دنیا ندیده‌ایم که موزه‌ای را بانک کنند، در حالی که دیده‌ایم بانک را موزه کنند. دفینه اصولا نباید در اختیار ارگان‌های غیردولتی باشد که پای سودوزیانشان در خریدوفروش این املاک فرهنگی در میان است.» او با مشقت فراوان فعلا توانسته از خرابی بیشتر در این اثر تاریخی جلوگیری کند اما هرچه باشد، جنبش دستگاه‌های خودپرداز کار خود را کرده و بخشی از اثر- هرچند اندک- تخریب شده و بنر بانک بر پیشانی آن خورده است. جنبش دستگاه‌های خودپرداز در همه شهرهای تاریخی در حال قربانی‌گرفتن است، در اصفهان، چسبیده به عالی‌قاپو، در کرمان، بازار کرمان و در طوس، موزه داخل محوطه آرامگاه فردوسی از تخریب این جنبش بی‌نصیب نمانده‌اند. اما علی رحیمی، کارشناس دستگاه‌های خودپرداز با تعجب به «شرق» می‌گوید که آیا مدیریت آثار تاریخی هنوز با دستگاه‌های خودپرداز کارتابل یا قابل‌حمل آشنا نیست که برای نزدیک‌ترکردن خدمات بانکی به مشتریان، دیوار این بناها را تخریب می‌کند؟ به گفته این کارشناس، تنها در نزدیکی تئاتر شهر بیش از ۲۵دستگاه خودپرداز وجود دارد و می‌شد در محوطه این اثر نیز دستگاه خودپرداز قابل‌حمل قرار بگیرد تا اینکه بخواهند دیوار تئاتر شهر را خراب کنند!

معادله‌چندمجهولی

زنان علیه مردان ۲

احمد طالبی‌نژاد

خب دیگر. در حالی که آقایان سرگرم برگزاری جشن‌های سینمایی و امورصنفی بودند، خانم‌ها جای خالیشان را گرفتند. متوجه هستیم که همزمان – برای نخستین‌بار شاید- سه فیلم از سه‌فیلمساز زن، پرده سینماهای تهران و شهرستان‌ها را تسخیر کرده‌اند؛ در حالی که هنوز یک‌ماه از پایان اکران عمومی فیلم دیگری که توسط یک‌زن ساخته شده بود، نمی‌گذرد. این اتفاق فرخنده‌ای است که می‌تواند مبنای یک بحث جامعه شناختی قرار گیرد. در حالی که برخی نهادهای دولتی، در پی تفکیک جنسیتی بودند و هستند، در صنعت و هنر سینمای ایران، خانم‌ها و آقایان دوشادوش هم، در کار خلق و اشاعه اندیشه‌های‌شان هستند. همین چندی پیش بود که سینماگر برجسته ایرانی، رخشان بنی‌اعتماد، جایزه جشنواره ونیز را به خانه آورد و گویا فیلمش به چندین جشنواره دیگر هم دعوت شده است. باری، خوبی کار زنان فیلمساز این است که هر کدام راهی و نگاهی منحصر به خود دارند. به همین سه‌فیلمشان که روی پرده است توجه کنیم. در «شهر موشها۲»، مرضیه برومند، همچون همیشه در دنیای پاک‌وزلال کودکان و نوجوانان سیر می‌کند و چه خوب که بچه‌ها را سکوی پرش قرار نداده برای رسیدن به سینمای موسوم به بزرگسالان. او حتی وقتی فیلم یا سریالی در باره بزرگ‌ترها ساخته نیز از منظر کودکی هشیار و کنجکاو به جهان آدم‌بزرگ‌ها نزدیک شده است. تهمینه میلانی هم در «آتش‌بس ۲»، با سماجت تمام، به نقد روش‌های ناپسند نسبت به زنان در جامعه مردسالار ما می‌پردازد. در ساخته‌های او، مردان همگی سلطه‌طلب و خودمدارند و زنان جملگی مظلوم اما پرقدرت و خودکفا. این نگاه و روش او نسبت به مسایل اجتماعی است و اگرچه نگارنده موافقتی با آن ندارد، منکرش هم نمی‌شود. این هم یک جور نگاه است. هنوز فیلم «خانوم» ساخته تینا پاکروان را ندیده‌ام تا بدانم او رو به کدامین جهت فرهنگی و اجتماعی دارد اما، از نام فیلم و نقل‌قول‌های این و آن برمی‌آید که ایشان هم مدافع حق و حقوق زنان است. همان‌طور که اشاره شد، یکی، دو ماه پیش نیز فیلم «پنج‌ستاره»، ساخته مهشید افشارزاده، بازیگر سابق سینما در دهه ۱۳۶۰ و ۷۰ نیز بر پرده رفت و البته چون آن را هم ندیده‌ام، درباره‌اش قضاوتی ندارم و فراموش نکنیم ده‌ها فیلمساز زن دیگر را که در تلویزیون یا عرصه فیلم مستند و کوتاه فعالند و آثار درخشانی ازشان دیده‌ایم و خواهیم دید و باز به یاد داشته‌باشیم تعداد حیرت آور دانشجویان دختر را در رشته‌های سینما و تئاتر که اینان نیروهای بالقوه در آینده سینمای ایران خواهند بود. بنابراین می‌بینیم که برخلاف نظرخانم میلانی، نه‌تنها آتش‌بسی در کار نیست، بلکه خانم‌ها فعلا دست پیش را دارند و خیال هم ندارند آتش‌بس بدهند و اصلا چرا باید کوتاه بیایند؟ قرن‌ها جامعه ایران مردسالار بوده و حالا هم هست. خب؛ در فضای مجازی که زنان می‌توانند تفوق خود را بر مردان به نمایش بگذارند.